روزنامه شرق

شنبه ۸ آذر ۱۴۰۴
۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۲۹ نوامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌و دوم
شماره ۵۲۶۶
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

رهبر انقلاب در سخنانی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه:

همبستگی، عامل بسیار مهمی برای اقتدار ملی است

۳

در «شرق» امروز می‌خوانید: بازبینی گرین‌کارت‌های آمریکا در پی حمله واشنگتن • پایان آتش‌بس شکننده میان سرخابی‌ها • کودکی جامانده در دود / سعید نبی • اکنون زمان ورود قوه قضائیه است/ منصور مظفری

گزارش «شرق» از گمانه‌زنی‌ها درباره عمدی‌بودن آتش‌سوزی‌های سریالی جنگل‌های کشور

مافیای چوب پشت پرده آتش‌سوزی؟

گزارش تیتر یک را در صفحه ۱۰ بخوانید

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سهند تاکی، شرق

سرمقاله

راهکاری برای برون‌رفت از بحران هسته‌ای

غلامرضا نظربلند
تحلیلگر

شرایط حساس و نگران‌کننده جاری، در عین حال فرصتی فراهم کرده که با دوستان علاقه‌مند درباره فرمول‌های فرضی برون‌رفت از بن‌بست مبتلابه کشور در قضیه هسته‌ای همفکری و رایزنی کنیم. خروجی این شاید تضارب آرا نوعا از حیطه همان حلقه محدود دوستان فراتر نمی‌رود و انتشار عمومی نمی‌یابد. پیشنهاد یکی از دوستان حقوق‌دان بین‌المللی که چندده سال است با پرونده‌های متعدد و گوناگون حقوقی سروکار دارد و از شکل و ماهیت اختلافات بین کشورها سر درمی‌آورد، به گمانم نمی‌بایست در آن محدوده کم‌شمار باقی می‌ماند. از این‌رو بر آن شدم تا آن را موضوع یادداشت حاضر قرار دهم؛ باشد تا مخاطبان پربسامدتری پیدا کند و احیانا مورد بحث و گفت‌وگو قرارگیرد و اهل فن با بارش فکری، آن را صیقل دهد و به‌عنوان ایده‌ای پخته ارائه کند. دوست حقوق‌دان بر این باور است که بحران هسته‌ای و پیوست‌های آن قابل مدیریت است و راهکارش، توسل به ابتکاری کم‌وبیش رایج در زیست‌بوم حقوق بین‌الملل به اسم بیانیه یک‌جانبه کشورها (Unilateral Declaration of States) است. این نوع بیانیه که از جانب مقامی صلاحیت‌دار (رئیس کشور، رئیس دولت یا وزیر امور خارجه) به نمایندگی از کشور متبوعش صادر می‌شود، مواضع آن کشور را درباره برخی از مسائل متنازع فیه و چالش‌برانگیز، با صراحت و به‌روشنی، خطاب به یک یا چند کشور و گاه خطاب به جامعه بین‌المللی (the International Community) اعلام کرده و از این طریق در بافتار حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق معاهدات برای کشور صادرکننده بیانیه، حقوق و تعهداتی ایجاد می‌کند. این نوع سند در مواردی می‌تواند به اعتراضات و نگرانی‌های دیگر دولت‌ها پاسخی قانع‌کننده بدهد و بدون آنکه لزوما به مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه‌ای نیاز باشد، تمام یا برخی از تنش‌ها و چالش‌ها را منتفی و نگرانی‌های دیگر دولت‌ها را برطرف کند.

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله

دود سیاه و تورم

محمدتقی فاضل‌میبدی

از همین روزن گشوده به دود/ به پرستو، به گل، به سبزه درود (مشیری).

کلان‌شهرهای ایران، به‌ویژه تهران، از آلوده‌ترین شهرهای جهان به شمار می‌آیند. آسمان تهران را که نگاه کنی، دود سیاه همراه با سموم، فضای شهر را پوشانده و ریه‌های آدم‌ها را نشانه رفته و خورشید از ورای دودهای کم‌رنگ و زرد، رخ می‌نماید. نفس‌کشیدن در این هوای زهرآگین یعنی مرگ تدریجی خودخواسته. تعداد بیماری و مرگ به خاطر آلودگی هوا رو به افزایش است و آمارهای وحشتناک اعلام می‌شود. چرا چنین شد؟ آیا همه اینها را باید به حساب تغییرات اقلیمی گذاشت؟ دولتمردان و متولیان در خلق این دودهای سیاه هیچ تقصیر یا قصوری ندارند؟ اینکه می‌گویند هیچ پدیده‌ای بدون علت نیست، باید دید چرا؟

سال‌هاست دلسوزان و کارشناسان داخل و خارج، به دولت‌ها هشدار می‌دهند که مدیریت آب در کشور نادرست است و مافیای آب چیزی جز منافع خود را نمی‌شناسد. سال‌هاست دلسوزان محیط زیست راجع به جنگل‌زدایی در این کشور هشدار می‌دهند که تبرها را زمین بگذارید و نبُرید این درختان سر به فلک کشیده را که از بالا برای ما ابر می‌آفرینند و باران تولید می‌کنند. چرا تالاب‌ها خشکید، رودخانه‌ها به تلی از خاک و کویر دگرگون شد، دریاچه ارومیه پس از میلیون‌ها سال نمکزار شد! تاریخ آیا این بلاهای مرگ‌آور را به حساب طبیعت می‌گذارد؟ یا به حساب نادانی و کم‌توجهی مسئولان؟ علت پدیده ابر و باران در این کشور، عمدتا به دست کارناشناسان از بین رفته است. در دولت هشت‌ساله احمدی‌نژاد فریادها از حلقوم‌ها برآمد که حفر این چاه‌های بی‌رویه در ایران جا ندارد، خشکی سفره‌های زیرزمینی یعنی فرونشست زمین و تهدید زندگی. دولت موعودگرا! با حفر هزاران چاه عمیق و نیمه‌عمیق، کرد آنچه را نباید می‌کرد. آقای دکتر پزشکیان، دود سیاه آسمان شهر را تیره کرده، شهردار ارزشی! تهران کارشناس ندارد. مردم دولت را می‌شناسند.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

ناخدایی که در سکوت افسانه شد

به پاس ۱۰ سال (۷۰-۸۰) حضور خالصانه و استادانه «ناصر تقوایی» در مدرسه کارگاهی فیلم‌نامه‌نویسی حوزه هنری

محمدعلی زم

تقوایی را نمی‌توان فقط یک کارگردان دانست. او نویسنده‌ای بود که تصویر می‌نوشت، معلمی بود که فیلم را درس می‌داد، و شاعری بود که به جای قلم، از دوربین استفاده می‌کرد. از میان موج‌های داغ و نم‌زده خلیج فارس برخاست، و از همان آغاز، نگاهی داشت که هیچ شباهتی به دیگران نداشت. در تاریخ سینمای ایران، نام او نشانی است از دقت، وسواس، عشق به جزئیات و ادبیات.

آغاز در جنوب؛ ادبیات و مستند

ناصر تقوایی متولد ۱۳۱۹ در آبادان بود، شهری که «همزاد اقتصاد، نفت و فرهنگ» بود. از نوجوانی با ادبیات و عکاسی خو گرفت و در همان سال‌های جوانی، مسیرش را از روزنامه‌نگاری و داستان‌نویسی به سمت سینما تغییر داد. نخستین تجربه‌هایش در قالب مستندهایی بود که به زندگی مردم جنوب می‌پرداختند؛ آثاری مانند باد جن، اربعین و تاکسی‌متر. در همین مستندها بود که نگاه انسانی و دقیقش به فضا و آدم‌ها شکل گرفت. نگاهی که در تمام آثار بعدی‌اش حضور دارد.

«آرامش در حضور دیگران»؛ نخستین زخم

در سال ۱۳۴۹ با اقتباس از داستانی از غلامحسین ساعدی، فیلمی ساخت که به نوعی بیانیه آغاز سینمای مدرن ایران شد. آرامش در حضور دیگران فیلمی درباره فروپاشی روحی، شکست اخلاق و ریاکاری اجتماعی بود بی‌پرده و تلخ. اما همین صداقت برای زمانه‌اش سنگین بود. فیلم دو سال توقیف شد و وقتی با سانسور اکران شد، بخش‌های مهمی از آن حذف شده بود. با این حال، منتقدان آن را اثری پیشرو دانستند و امروز از آن به‌عنوان یکی از آغازگران «موج نو» سینمای ایران یاد می‌شود.

«دایی جان ناپلئون»؛ طنزی برای تمام نسل‌ها

در میانه دهه ۵۰، تقوایی سراغ رمانی رفت که مردم از پیش عاشقش بودند، او با وسواسی مثال‌زدنی، فضای ایران دهه ۲۰ را بازسازی کرد. خانه‌ها، لباس‌ها، لهجه‌ها و حتی بوی غذاها واقعی بودند. نتیجه، مجموعه‌ای شد که در تاریخ تلویزیون ایران جایگاهی بی‌همتا دارد. شوخی‌هایش شیرین، شخصیت‌هایش زنده، و نگاهش تیز و انتقادی بود. مردم با دایی‌جان ناپلئون خندیدند، اما در خنده‌شان آینه‌ای از خود دیدند. ضرب‌المثل «کار، کار انگلیسی‌هاست» از همان‌جا به فرهنگ عمومی راه یافت.

«ناخدا خورشید»؛ شکوه اقتباس و تسلط

دهه ۶۰، در اوج محدودیت‌ها و رکود و درحالی‌که از تداوم ساخت میرزا کوچک‌خان جنگلی در تلویزیون برکنار شد و تلخکام بود، با «ناخدا خورشید» بازگشت. اقتباسی آزاد از رمان داشتن و نداشتن ارنست همینگوی، اما چنان بومی و زنده، که گویی از دل تاریخ خلیج فارس برآمده بود. فیلم نه‌فقط از نظر روایت، بلکه از جهت میزانسن، لهجه، و ترکیب نور و صدا شاهکاری تمام‌عیار بود. داریوش ارجمند در نقش ناخدا، با سکوت سنگین و چشمانی پر از دریا، یکی از ماندگارترین کاراکترهای تاریخ سینمای ایران را خلق کرد.

سال‌های سکوت؛ تقوایی و «نشدن»

پس از انقلاب، او تنها چند اثر نیمه‌تمام نوشت و طرح‌هایی که ساخته نشدند یا الزاما از ادامه ساخت بازماندند یا مانند «ای ایران» و «کاغذ بی‌خط» در اکران ناموفق. تقوایی با روحیه‌ای سرشار از حساسیت و دقت، وقتی بیان نگاه مستقل خود را در نظام حاکم بر سینمای دوران ناسازگار دید، به‌تدریج از تولید فاصله گرفت و به تدریس و نوشتن پرداخت. شاگردان بسیاری از مکتب فکری و بیرون آمدند و بعدها مسیر سینمای ایران را ادامه دادند. خودش گفته بود: «فیلم‌ساز واقعی باید یاد بگیرد از نساختن هم فیلم بسازد». خانه‌اش شد پناهگاه خاطرات و فیلم‌نامه‌های ناتمام. گاهی سکوت می‌کرد، گاهی می‌خندید، و گاهی هم در جمله‌ای کوتاه کل فلسفه زندگی را خلاصه می‌کرد.

میراث و معنا

ناصر تقوایی در تاریخ سینمای ایران نماد وسواس و اصالت است. فیلم‌هایش شاید کم باشند، اما هرکدام به اندازه یک نسل اثر گذاشتند. او به ما یاد داد که تصویر، اگر درست چیده شود، از یک دنیا کلمه گویاتر است. او صداقت و شرافت هنرمند را بزرگ‌تر از هر جایزه و تشویق می‌دانست.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

ایران در کاپ ۳۰؛ تهدیدها و فرصت‌ها

محمدحسین عمادی

کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (کاپ ۳۰) که از ۱۰ تا ۲۲ نوامبر ۲۰۲۵ (۲۰ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۴) در شهر بلم برزیل برگزار شد، به عنوان «کاپ اقدام» شناخته می‌شد. این اجلاس با تمرکز بر اجرای تعهدات پاریس، سه برابر کردن بودجه سازگاری تا ۲۰۳۵، راه‌اندازی مکانیسم «شتاب‌دهنده جهانی اجرا» و دعوت به ارائه برنامه‌های ملی جدی‌تر توسط اعضا در سال ۲۰۲۵ به پایان رسید. اما مصوبات آن، مانند اجلاس‌های پیشین، با سؤالات و چالش‌های عمیقی در سطح جهان همراه بود که در یادداشت قبلی به تفصیل بیان شد. هدف از این یادداشت بررسی عملکرد و مواضع ایران در کنفرانس اخیر و فرصت‌ها و تهدیدهای مربوطه است. اجتناب از تعهد صریح به خروج از سوخت‌های فسیلی، شکاف‌های مالی و اختلافات ژئوپلیتیکی برای ایران، به عنوان یکی از ۱۰ کشور اصلی آلاینده کربن جهان و کشوری که بیش از ۹۰ درصد انرژی‌اش از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود، کاپ ۳۰ نه‌تنها یک رویداد دیپلماتیک، بلکه آینه‌ای تمام‌نما از چالش‌های داخلی و فرصت‌های بالقوه بین‌المللی ایران بود. تأکید بر عدالت اقلیمی و تأثیرات غیرمستقیم بر اقتصاد و محیط زیست و محکوم‌کردن تحریم‌ها در این اجلاس می‌توانست به فرصتی برای تحول در سیاست‌گذاری‌های آینده ایران تبدیل شود، اما حضور کم‌رنگ هیئت ایرانی از یک سو و تناقضات در مواضع بین‌المللی و عملکرد، آن را به فرصت ازدست‌رفته دیگری تبدیل کرد. ایران با جمعیتی بیش از ۸۵ میلیون نفر، در منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک قرار دارد که تغییرات اقلیمی آن را به‌شدت آسیب‌پذیر کرده است. خطر جدی روز صفر آب پایتخت بعد از خشک‌شدن بسیاری از تالاب‌ها و دریاچه ارومیه، خشک‌سالی‌های مداوم، توفان‌های گردوغبار و افزایش دما، سالانه میلیاردها دلار بر اقتصاد ضعیف ایران خسارت وارد می‌کند. کاپ ۳۰ با تمرکز بر سازگاری و تأمین مالی، می‌توانست نقطه شروعی برای دسترسی ایران به منابع مالی جهانی باشد، اما تحریم‌های یک‌جانبه، ضعف در حضور و موضع‌گیری‌های دیپلماتیک، این فرصت‌ها را محدود کرد.

حضور ایران در کاپ ۳۰: دیپلماسی در سایه تحریم‌ها

هیئت ایرانی به ریاست شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، دوروزه به بلم سفر کرد و بیش از ۱۱ دیدار دوجانبه با مقامات کشورهای منطقه‌ای، وزرای محیط زیست و نمایندگان سازمان ملل برگزار کرد. انصاری در سخنرانی خود بر «عدالت اقلیمی و همکاری جهانی» تأکید کرد و علی‌رغم تحریم‌ها، پیشرفت‌های ایران در سازگاری با تغییرات اقلیمی را برجسته کرد. او اشاره کرد که ایران، با وجود محدودیت‌های دسترسی به فناوری‌های مدرن، دانش و سرمایه‌گذاری خارجی، گام‌های قابل توجهی در زمینه سازگاری برداشته و برنامه‌هایی برای سال‌های آینده تدوین کرده است.

با این حال در سطح بین‌الملل، حضور ایران «کمرنگ» توصیف و در داخل انتقادهایی مبنی بر هزینه‌های ریالی هیئت اعزامی و عدم تمرکز بر مسائل کلیدی مطرح شد. ایران همواره در نشست‌های کاپ به دلیل شرایط اقتصادی و مواضع سیاسی خود مواضعی متناقض داشته است. از یک سو به‌عنوان صادرکننده نفت، با عربستان و آمریکا مواضع مشترک دارد و از سویی دیگر به عنوان یکی از کشورهای جنوب به دنبال احقاق حقوق خود در قبال کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته است. ایران در مذاکرات فنی، مانند چارچوب تقویت‌شده شفافیت (Enhanced Transparency Framework) و برنامه کار بلم برای گذار عادلانه، شرکت فعال داشت، اما در موضوعات دیگر مانند جنسیت و سیاست‌های اقلیمی، درخواست «ملاحظات ملی» را مطرح کرد. همچنین، ایران به همراه عربستان سعودی، روسیه و چین، پیشنهاد بیش از ۸۰ کشور برای درج عبارت صریح «خروج تدریجی از همه سوخت‌های فسیلی» را مسدود کرد که این امر به عنوان یکی از نقاط ضعف توافق نهایی بلم از سوی طرفداران محیط زیست برجسته شد. این موضع‌گیری‌ها ریشه در وابستگی شدید اقتصادی ایران به نفت و گاز دارد. ایران، عضو اوپک، بیش از ۸۰ درصد صادراتش را از این بخش تأمین می‌کند و هرگونه تعهد جهانی به کاهش فسیلی‌ها می‌تواند درآمدهای ارزی را تهدید کند. در کاپ ۳۰، ایران بر لزوم «حمایت از کشورهای در حال توسعه» و پایان «اقدامات یک‌جانبه تحمیلی» (UTMs) تأکید کرد که مستقیما به تحریم‌های غربی اشاره داشت. این دیپلماسی، فرصتی برای جلب حمایت‌های منطقه‌ای فراهم کرد، اما بدون پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای، دسترسی به صندوق‌های اقلیمی مانند صندوق سبز اقلیم (GCF) همچنان مسدود ماند.

ادامه در صفحه ۱۱

برگزیده‌ها

گفت‌وگوی «شرق» درباره شروط حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات شورا

اصلاح‌طلب‌ها در انتخابات شوراها شرکت می‌کنند؟

۶

زلزله سیاسی در دفتر ریاست جمهوری اوکراین هم‌زمان با فشار برای پذیرش طرح آمریکا-روسیه

در جست‌وجوی «علی بابا»

۵

اقدام متقابل فدراسیون در مواجهه با صادرنشدن ویزای آمریکا

تحریم سیاسی فوتبال

۹

آلفرد یعقوب‌زاده در کارگاه آموزشی «عکاسی جنگ» مطرح کرد

عکس‌ها برای همیشه در محاق باقی نمی‌مانند

۱۱

نگاه

آیا سلامت دانش‌آموزان برای آموزش و پرورش مهم است؟

یادداشتی از محمد برومند

۱۲

دنیای این روزهای ما

من بمانم

رامین خسروخاور

در دنیای این روزهای ما، در روزگاری که بازار کساد است و دل‌ها هم، در عصری که نان گران شده و امید ارزان، هنوز لبانی سرخ می‌شود و چهره‌ای روشن می‌شود.

در کوچه‌های خاموش فقر، رنگی بر لب می‌نشیند؛ نه از سر ناز، که از سر نیاز. نه برای فخر، بلکه برای فرار از اندوه.

آدمیان این عصر، هرچند توان خرید رؤیاهای خود را ندارند، اما هنوز دل خریدن لحظه‌ای از سرخوشی را در سینه پنهان کرده‌اند. به‌جای دارایی‌های بزرگ، جرقه‌ای کوچک از زیبایی را برمی‌گزینند تا در آینه، امید را به رنگ تازه ببینند و با خود بگویند که زیبایی هنوز نمی‌میرد.

این است شاخص خاموش این روزگار؛ معیاری که نه تورم را می‌سنجد و نه تولید را، بلکه روح انسان را در عصر تردید نشان می‌دهد.

هر بار که لبخندها روشن‌تر می‌شوند، بدان که سایه رنج سنگین‌تر شده است. و چه حیرت شیرینی است که زیبایی، فرزند تنگدستی شود. آدمی حتی در عسرت، دل به زینت می‌سپارد؛ زیرا زیبایی نان روح است، نه کالای جسم. چون نان کم شود، روح به رنگ پناه می‌برد و همان اندک‌رنگ، مرهمی می‌شود بر زخم روزگار،

برقی کوچک در شب یلدا.

لب، هرچند تهی از خوراک، به رنگ ایمان می‌آراید؛ شاید جهان با دیدن لبخند، اندوه را رها کند.

آدمی لب را روشن می‌کند تا خود را باور کند؛ تا در آینه تصویری از تاب‌آوری بیند؛ تا بداند می‌توان زیبا ماند، حتی اگر زندگی تلخ باشد.

زیبایی در این مقام، تظاهر نیست، تسلیم نیست، بلکه تجلی است؛ بیانی از شجاعت بی‌صدا و ایمانی که در رگ انسان جاری است. لبخند، دعای دهان تنگدست است و رنگ، عصای روح در وادی نومیدی. هرچه جهان تیره‌تر شود، لب‌ها روشن‌تر خواهند شد؛ زیرا روشنایی همیشه در تضاد زاده می‌شود و امید از دل تنگی روییدن می‌گیرد، نه از رفاه.

ادامه در صفحه ۱۱